

نوجوان‌های کشورهای مختلف در کلاس‌های امداد و نجات

آنها چه می‌کنند...؟!

اما گوش تان بدهکار نبود! برای همین گشتیم و چند تا از نوجوان‌های فعال خارجی که در طول تابستان ساعتی را هم برای یاد گرفتن همین چیزها کنار گذاشته بودند، پیدا کردیم که شما تجربه‌شان را بخوانید و عبرت بگیرید...

هر چه قدر ما در صفحات مختلف کوله‌پشتی جز جگر زدیم و خودمان را کشتیم که شما را به کلاس‌های امداد و نجات بفرستیم، گوش شنوا پیدا نکردیم! هی تاکید کردیم که یاد گرفتن چیزهایی مثل کمک‌های اولیه و اقدامات امدادی، هم به درد دنیای تان می‌خورد هم آخرت تان،

مربی‌مان معرکه بود



۹۱

هانیا که ۱۵ ساله و اهل انگلیس است، در طول تعطیلات، به سفارش معلم مدرسه‌شان به کلاس‌های امداد و نجات رفته و در مورد این کلاس‌ها می‌گوید: «فکر نمی‌کردم توی یک دوره‌ی فشرده همه‌ی ضرورت‌های پزشکی مثل خفگی، خونریزی و احیا را یاد بگیرم. فکر می‌کردم فوق فوقش تا شناختن اسم بعضی داروها پیش می‌رویم اما واقعا برایم جالب بود که همه‌ی موضوعات امدادی را نه تنها تئوری، بلکه عملی هم کار کردیم.»

از همه جالب‌تر کار مربی‌مان بود. می‌دانید جلسه‌ی آخر چه کار کرد؟ هر کدام از ما شاگردانش را توی یکی از اتاق‌های درمانگاه نشانده و ما که منتظر بودیم تا نوبتی به سراغمان بیاید و درس بپرسد، یکدفعه دیدم یک مصدوم فرضی به هر کداممان داده که باید زخم‌هایش را پانسمان کنیم.»

ما مسئولیم



۹۲

جو ۱۳ ساله است و در کانادا زندگی می‌کند. او هم در تابستان همراه تعدادی از دوستانش به کلاس‌های امدادگری کمک‌های اولیه رفته و می‌گوید: «برای هر مبحث آموزشی یک کارگاه سه ساعته در نظر گرفته بودند. از همان اول هم بهمان گفتند که کارگاه‌ها رایگان است و در عوض مدرکی بهمان داده نمی‌شود، این ما هستیم که باید با عملکردمان مدرک داشتن‌مان را ثابت کنیم.»

در طول دوره‌ها این را هم یاد گرفتیم که حالا غیر از خودمان، در قبال همکلاسی‌ها و خانواده و بقیه‌ی آدم‌هایی که به طریقی در دسترس‌مان هستند هم مسئولیم. درست است که مدرک نمی‌گیریم اما هر کدام از ما نوجوان‌ها بعد از طی کردن دوره‌ها، تبدیل به مربیان کوچکی می‌شویم که می‌توانیم آموزش‌های مان را به افراد خانواده یا دوستان‌مان منتقل کنیم. دیگر فرقی نمی‌کند چند سال مان باشد، مهم این است که چه چیزهایی بلدیم.»

ضروری‌تر از همه چیز

۹۳

رادا هم یک نوجوان ۱۴ ساله‌ی دیگر و ساکن هند است. او در مورد فعالیت‌های امداد و نجاتی‌اش می‌گوید: «در کشور من هند، به خاطر جمعیت زیاد و شرایط مختلف زندگی، معمولاً در خیلی از مناطق بهداشت رعایت نمی‌شود و مردم با بیماری‌هایی مثل ایدز یا همان اچ‌آی‌وی درگیرند.»

سال پیش در مدرسه‌مان اطلاعیه زدند که قرار است کلاس‌های آگاهی بخشی در مورد این بیماری برگزار شود. با این‌که درس داشتیم حس کردم لازم است در این کلاس‌ها ثبت‌نام کنم. حدود چهارصد دانش‌آموز در سراسر هند ثبت‌نام کردیم. در مورد راه‌های ابتلا به ایدز و راه‌های پیشگیری از ابتلا، چیزهای زیادی یاد گرفتیم. بعد از اتمام کلاس‌ها همگی به این نتیجه رسیدیم که واجب‌تر از هر چیز تبدیل شدن به سفیران ایدز و اطلاع‌رسانی در مورد این بیماری در مناطق مختلف هند است.»

